

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردنهایشان را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور خدا] و اگر خدا می‌خواست از ایشان انتقام می‌کشید ولی [فرمان بیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (4)

«سوره محمد»

وقف

وقف یو خانکري نوم دي او دهغه جمع وقفونه دي علامه رحلي په تذکره کي وويلي وقف یعنی بندي کيدل اوخند، لکه داچي ووايي: ودرید، یاله خوځیدو می خان وساته، وقف په شرع کي یو ډول دالي یا ببیل دي، او له هغه سره جوخت د هغه اصل ساتل له میراث او له پر لاس کي اخیستلو ایسارول دي، په اسلامي شریعت کي ځینو فقیانو وقف روا نه دي بللي او هغه داسلام داصولو خلاف کني بی له دي چي جومات ته وقف شوي وي، او د مذاهبو پر نزد دا قول متروک شوي قول دي).

پایبیت او دوام: بی د مالکیانو ټول مذاهب سره یوه خوله دي چي وقف نه شي محقق کيداي بی له یوه وخته چي واقف د وقف دایمي او پرله پسي نیت وکړي، او له هغه کبله بی هغه په جاريه سره معنا کړیده، چي په نه پریکونکي توکله پرله پسي دوام ولري، که هغه بی پریوه ټاکلي وخت پوري وروتاره، لکه دا چي ووايي، دا ترڅلورو کالو یا ترهغه وخته پوري می چي زره وروايي گرځوم، تر هغو پوري دي وقف وي، یا تر هغه وخته پوري ترڅو چي حاجت می پوره شي، یا می اولاد وشي، او داسي نور، چي پر داسي مواردو کي وقف نه دي صحیح. مالکیانو ويلي دي: د وقف تل والي د شرط سموالي نه دي، بلکه صحیح ده، چي یوه موده لکه یو کال چي وټاکي او وروسته له هغه ملک یي بیرته ځینتن ته وروکړي.

همداسي که وقف کوونکي دا شرط کړه چي په خپله یا هغه سړي چي ځمکه یا ملک ورته وقف شوي، کولای شي همغه موقوف ملک وپلوري و دا شرط صحیح دي اوباید پر هغه باندې عمل تر سره شي. که دهغه سبب لپاره وقف شي چي دوام نه لري اوله مینځه ځي، لکه ځنکه چي ووايي دغه وقف می د همدغه موجوده زمانو یا هغو کسانو ته چي په غالب گومان له مینځه ځي، آیا دغه وقف صحیح دي یا ناروا؟ او پرسیح فرضوسره د هغه تر پورونو ادا کولو وروسته موقوفه د چا مال دي؟ احناف ويلي دي: وقف صحیح دي، او تر پورونو ادا کولو وروسته پر فقیرانو باید ولکړي، حنبلیانو ويلي دي: صحیح دي خو هغه ترپورونو ادا کولو وروسته پر هغه چا باندې لکړي، چي تر ټولو واقف ته نږدې وي، او دا شفاعیانو یوله دووقولووڅخه دي. امامیانو ويلي دي: د وقف برنامه صحیح دي، او ورثي ته ورکړي ... ادامه درص/۳



گزارش گر: شفیق الله نبي زاده

افغانستان چه در دانشگاه های افغانستان و چه در نهادها و مراکز تعلیمی دیگر شتافتند که ثمره آن پرورش جوانان ما با یک روحیه اسلامی و آشنا به زبان عربی می باشد. وزیر عدلیه افزودند که ما یک رابطه بسیار خوب تقنینی با جمهوری عربی مصر از سابق داشته و داریم و اکثر قوانین افغانستان با اقتباس از قوانین مصر تهیه و ترتیب گردیده است. متاسفانه در سه دهه بحران که در افغانستان حاکم بوده است، افراد متخصص و مسلکی ما در عرصه های مختلف از جمله قانونگذاری از دست رفته و اکنون ما با مشکلات زیادی در این بخش ها بالاخص در ریاست تقنین روبرو هستیم. نبود افراد مسلکی و متخصص در این ریاست همواره از چالش های مهم و عمده فرا روی بخش تقنین و قانونگذاری می باشد. ... ادامه درص/۲

ملاقات ماجد عبدالرحمن سفیر کشور مصر در افغانستان با وزیر عدلیه

روز سه شنبه مورخ 1390/7/26 آقای ماجد عبدالرحمن؛ سفیر مصر در افغانستان با څارنپوه حبیب الله «غالب» وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان در دفتر کارش ملاقات نمود. در این ملاقات طرفین روی همکاری های دوجانبه صحبت نموده و ابراز داشتند که مصر و افغانستان دو کشور مسلمان، دوست و همکار تاریخی یکدیگر می باشند. وزیر عدلیه، همچنان یادآور شدند که دولت مصر همیشه در بخش های تعلیم و تربیه پیشگام بوده و شخصیت ها و کادر های خوبی را به افغانستان تحویل داده است. دانشگاه الازهر مصر یکی از دانشگاه هایی است که همواره در تربیه و پرورش نسل جوان افغان کوشش هایی را به خرج داده است، علاوه بر این، استادان و پروفیسوران مصری در ایام جهاد و مهاجرت، به تعلیم و تربیه جوانان مسلمان

شهادت

در قوانین نافذ

مقدمه: گردآورنده: فیض الله خواجه آمانی

شهادت یکی از وسایل اثبات در دعوی مدنی و جزایی محسوب شده است. در رابط به شهادت در قوانین نافذ کشور درمورد بدهای مختلف شهادت از قبیل حضور شاهد در محکمه، چگونگی ادای شهادت وعدم حضور شاهد در محکمه و عواقب آن وسایر موارد دیگر تذکرات داده شده که ذیلاً نقل میشود.

در قانون مدنی شهادت طی مواد (1025 الی 1030) تذکر داده شده که ذیلاً شرح می گردد.

ماده 1025 - در اثبات تصرف قانونی، در غیر امور تجارتي شهادت شهود وقتی کافی شمرده می شود که قیمت آن، متجاوز از هزار افغانی ویا غیر معین نباشد. ماده 1026 - قیمت تصرف، در وقت تصرف آن، اندازه می شود، اگر تصرف از هزار افغانی بیشتر باشد و از زیادت ملحقات به اصل نشأت کرده باشد، در این صورت اثبات به شهادت شهود جواز دارد.

ماده 1027 - هرگاه دعوی شامل مطالب متعددی ناشی از مصادره متعدد باشد، اثبات هر جزء ایکه مقدار آن متجاوز از هزار افغانی نباشد، به شهادت شهود جواز دارد. گرچه مجموع مطالبات متجاوز از مقدار مذکور ناشی از علایق بین طرفین دعوی یا ناشی از تصرفاتی باشد که دارای طبیعت واحد است. این حکم در مورد تادیاتی که قیمت آن از هزار افغانی تجاوز کند، نیز تطبیق می شود.

ماده 1028 - اثبات به شهادت شهود، در موارد ذیل جواز ندارد. گرچه قیمت آن متجاوز از هزار افغانی نباشد:

1 - در صورتیکه مطالبه، مخالف یا متجاوز از مقدار مندرج سند تحریری باشد.

ادامه درص/۲

تشکیلات و صلاحیتهای قوه قضائیه

دردانه فضالی

تاریخچه قضاء در افغانستان سابقه طولانی دارد. اما در زمان امان الله خان برای نخستین بار قضاء بصورت عصری و امروزی ایجاد گردید. زیرا در آن دوره حامیان حاکمیت قانون خواستار استقلالیت قضاء بودند فلهذا این قوه به عنوان رکن مستقل دولت به رسمیت شناخته شد. یعنی تا حدی تفکیک قوا در آن وقت رعایت می شد. تفکیک قوا یکی از اصول پذیرفته شده در نظام های پیرو دیموکراسی مطرح شده در جهان معاصر محسوب می گردد. در عصر حاضر تقریباً اکثر دول جهان اصل تفکیک قوا را در سیستم حکومتداری در نظر داشته و حاکمیت خویش را بر مبنای تفکیک قوا استحکام می بخشند.

که هر یک از قوای سه گانه (قوه قضائیه، مجریه و مقننه) از یکدیگر مستقل عمل نموده و با تشریک مساعی وظایف مربوط به دولت را به پیش می برند. قوه قضائیه جمهوری کشور ما نیز به عنوان رکن مستقل از دولت وظایف محوله خویش را انجام می دهد چنانچه ماده یکصدو شانزدهم قانون اساسی در زمینه ذیلا صراحت دارد: "قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد. ... ادامه در ص/۲

درین زمینه انجام دهد. درین جلسه واحد حمایت از حقوق بشر وزارت عدلیه گزارش کاری شانرا از ابتدا تشکیل این اداره به اعضای جلسه ارائه نمود که مورد استقبال اشتراک کنندگان قرار گرفت.

در اخیر جلسه پیشنهادات و نظریات اعضای جلسه توسط وزیر عدلیه استماع گردید و همچنان وزیر عدلیه کشور از اعضای کمیته رهبری تقاضا نمود که به این موضوع سطحی نگرسته نشود بلکه درین راستا دلسوزانه و فعالانه اقدام شود.

واحد حمایت از حقوق بشر وزارت عدلیه اداره ایست که جدیداً در چوکات وزارت عدلیه ایجاد گردیده است.

تحت ریاست څارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه ج.ا.ا. در دفتر کارش برگزار شد. وزیر عدلیه طی سخنان خویش به اعضای کمیته خطاب نمود که:

چون کشور ما چندین دهه جنگ راسپری نموده است و ما تهنوز شاهد موارد نقص حقوق بشری درجامعه خود هستیم، این وظیفه دولت است که با این پدیده مبارزه نماید و فایق شدن به این چالش نیاز به همکاری جمعی دارد که به همین لحاظ ما درچوکات وزارت عدلیه اداره واحد حمایت از حقوق بشر را ایجاد نمودیم تا اقدامات عملی و ملموس را



سومین جلسه واحد حمایت از حقوق بشر تحت ریاست څارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه برگزار گردید

گزارش گر: شفیق الله نبي زاده

روز چهارشنبه مورخ 1390/7/20 سومین نشست کمیته رهبری واحد حمایت ازحقوق بشر وزارت عدلیه به اشتراک نمایندگان وزارت خارجه، دفاع ملی، امور زنان، صحت عامه، کار و امور اجتماعی، نماینده جامعه مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر

ملاقات ماجد عبدالرحمن

سفیر کشور مصر...

ایشان همچنین اضافه کردند که ما صد درصد نمی توانیم به غرب و یا متخصصین غربی اتکاء نماییم، چون بر مبنای قانون اساسی افغانستان هیچ قانونی نباید در تضاد با شریعت اسلامی باشد، بناء ما خواستار آن هستیم تا متخصصین را از جمهوری عربی مصر در بخش ها و دیپارتمنت های مختلف تقنین جلب و جذب نماییم و در انکشاف، ارتقاء و تقویت ظرفیت این ریاست از وجود آنها بهره لازم ببریم.

وزیر صاحب عدلیه خاطر نشان ساختند که جهت ارتقای ظرفیت و انکشاف مهارت ها در این وزارت، اگر دولت جمهوری اسلامی مصر، بورسیه های آموزشی را به سویه لیسانس و ماستری و دوکتورا در بخش های حقوق و شرعیات در اختیار این وزارت قرار دهند تا افراد مستعد و جوان را جهت آموزش به آن کشور اعزام نماییم تا پس از فراغت به خدمت این وزارت بشتابند. سپس آقای ماجد عبدالرحمن؛ سفیر جمهوری عربی مصر ضمن قدردانی، از روابط مداوم و دیرینه هر دو کشور سخن گفته و مصر را یکی از همکاران دائمی افغانستان در بخش های تعلیم و تربیه دانسته و از ادامه همکاری ها و کمک های آن کشور در آینده اطمینان داد.

همچنان در قسمت ارتقای ظرفیت ریاست تقنین و جلب و جذب متخصصین از جمهوری عربی مصر، وعده همکاری نموده و بیان داشتند که آنچه در توان دارند در این راه دریغ نخواهد ورزید. وی افزود؛ دولت مصر آماده است با استفاده از صندوق خاص وزارت خارجه مصر هیئت از کارشناسان قانون و قانونگذاری را به افغانستان اعزام بدارند. وی خواهان ارسال کتبی خواسته ها و مطالبات وزارت عدلیه به سفارت جمهوری عربی مصر شدند تا در مورد آنها اقدامات عملی را انجام دهند. در مورد بورسیه های تحصیلی لیسانس، ماستری و دوکتورا نیز علاوه نمودند که جمهوری عربی مصر سالانه بورسیه های متعددی را در رشته های مختلف و در دانشگاه هایی چون الازهر، قاهره، اسکندریه و عین الشمس به وزارت تحصیلات عالی افغانستان اهدا می نماید. ایشان یادآور شدند که کشور مصر طبق موافقت نامه با وزارت تحصیلات عالی افغانستان، سالانه تعداد 200 بورسیه را به محصلین افغان در نظر گرفته است و اظهار تاسف داشتند که از این بورسیه ها استفاده مناسب صورت نمی گیرد و ایشان خاطر نشان ساختند که تلاش خواهند ورزید تا این بورسیه ها بصورت مستقل به وزارت عدلیه نیز اهدا و فرستاده شود.

ایشان در خاتمه ضمن اظهار امتنان از وزیر صاحب عدلیه خواهش داشتند تا در صورتی که فرصتی مناسب میسر گردد از جمهوری عربی مصر دیدار داشته باشند و با مقامات مسئول مصری در زمینه ملاقات و تبادل نظر داشته و همزمان از مراکز علمی - تحقیقی بخصوص تقنین آن کشور دیدار نمایند.

تشکیلات و صلاحیتهای قوه...

1- ستره محکمه

ستره محکمه به عنوان عالیترین ارگان قضایی کشور در راس قوه قضائیه قرار دارد.

با توجه به ماده یکصد و هفدهم قانون اساسی ستره محکمه مرکب از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه و با رعایت احکام مندرج فقره آخر ماده پنجاهم و ماده یکصد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین می گردند:

سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.

تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد. تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی از اعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

انجام وظایف قضایی ستره محکمه به عهده رئیس و اعضای آن، دیوانها و مستشاران قضایی می باشد.

وظایف رئیس ستره محکمه:

درکل وظایف رئیس ستره محکمه ب دو دسته قضایی و اداری تقسیم شده است.

بدر نظر داشت ماده بیست و چهارم قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم ستره محکمه در ساحه تفسیر قوانین و امور قضایی داری وظایف و صلاحیتهای ذیل می باشد:

قضا

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضائی در راس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده (۱۱۶) قانون اساسی

روسای دیوانها مکلف اند که رهبری فعالیتهای دیوانهای مربوطه را داشته و جهت تدویر جلسات دیوانها اقدام نمایند، و از تجارب قضایی و فعالیتهای دیوانها به ستره محکمه گزارش دهد.

مستشاران قضایی:

نظر به احکام ماده بیستم و بیست و یکم قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قوه قضائیه، ستره محکمه دارای مستشاران قضایی می باشد که تعداد مجموعی آنان از سی و شش نفر بیشتر بوده نمی تواند.

مستشاران قضایی ستره محکمه از میان قضاتی تعیین می گردند که دارای اهلیت، کفایت و درایت کامل بوده و حد اقل ده سال طور بالفعل خدمت قضایی را انجام داده باشند.

توظیف مستشاران قضایی در دیوانها از صلاحیت رئیس ستره محکمه می باشد.

با توجه به مندرجات ماده بیست و دوم، مستشاران قضایی، قضایای وارده را تحلیل و ارزیابی نموده، گزارش آنرا تهیه و غرض اتخاذ تصمیم به جلسه قضایی ارائه می نماید.

...ادامه دارد

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضایی در راس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

تعریف قضاء:

قضاء در لغت به معنای انقضای یک چیز و اتمام آن می باشد.

در اصطلاح شرعی قضاء عبارت است از حل و فصل منازعات و مخاصمات مردم. همچنین

امام شافعی (رح) در این مورد بیان داشته است: "قضاء عبارت از حل و فصل خصومت ها در میان

مدعی و مدعی علیه به حکم الله .

یعنی اظهار حکم شرعی است در یک واقعه بر سبیل الزام" هکذا فقره شش ماده چهارم قانون

اصول محاکمات مدنی در زمینه ذیلا تصریح می دارد:

"قضاء: حکمی است که توسط قاضی به الفاظ و کلمات

مخصوص بصورت قطع و جرم صادر می شود. همچنین قاموس اصطلاحات حقوقی نیز قضاء را

عیناً مانند ماده فوق الذکر تعریف نموده است. صلاحیت قوه قضائیه نظر به ماده سوم قانون

تشکیلات و صلاحیت محاکم به تمام دعوایست که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت

بحیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه می گردد.

غرض تحکیم عدالت و حفظ استقلالیت قضاء ماده چهارم قانون مزبور چنین تصریح می دارد:

"هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت قضیه یا ساحه را از دائره صلاحیت قوه قضائیه خارج ساخته و به

مرجع دیگری تفویض نماید.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد (شصت و نهم، هفتاد و هشتم و یکصد و بیست

و هفتم) قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی گردد.

" قابل یاد آور است که به اساس حکم ماده ششم قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم، شیوه رسیدگی

به قضایا در محاکم از لحاظ کیفیت و ماهیت قضیه در دو مرحله (ابتدائیه و استیناف) صورت می گیرد.

ستره محکمه قضایای واصله از محاکم استیناف را صرفاً از نگاه صحت تطبیق قانون (در صورت نقض

یا ابرام) مورد رسیدگی قرار می دهد، مگر اینکه در حالت خاص صلاحیت رسیدگی قضیه را از

لحاظ کیفیت و ماهیت به آن تفویض نموده باشد. قضایا در محاکم توسط قضات به ترتیب ذیل

رسیدگی می شود:

در مرحله ابتدائی به اشتراک سه نفر قاضی، مگر اینکه تعداد قضات از سه نفر کمتر باشد در این

صورت رسیدگی قضیه توسط کمتر از سه نفر قاضی جواز دارد. در مرحله استیناف توسط سه نفر قاضی.

در مرحله فرجام خواهی توسط دو نفر قاضی ستره محکمه یا بیشتر از آن.

تشکیلات و صلاحیت محاکم ثلاثه:

قبلاً متذکر شدیم که قوه قضائیه مرکب از محاکم (ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه) می باشد. حال در نظر داریم که تشکیلات و صلاحیتهای محاکم سه گانه کشور را مورد بحث و

بررسی قرار دهیم.

شهادت در قوانین نافذه ...

2 – در صورتیکه مطالبه جزء چنان حقی با شد که اثبات آن به شهادت نا کافی دانسته شده باشد، گرچه جزء باقی مانده همان حقی باشد .

3 – در صورتیکه مطالبه بمقدار بیش از هزار افغانی صورت گرفته و متعاقباً به مقدار کمتر از هزار افغانی تعدیل شود .

ماده 1029 – (1) اثبات به شهادت شهود در آنچه اثبات آن به سند تحریری لازم باشد جواز دارد، بشرطیکه مبدا ثبوت تحریری موجود شود .

2 – صدور سند تحریری که وجود تصرف مدعی به را قریب الاحتمال گرداند، مبدأ ثبوت سند تحریری شناخته می شود .

ماده 1030 – اثبات به شهادت شهود در آنچه اثبات آن بر سند تحریری لازم باشد، در موارد ذیل جواز دارد:

(1) در صورتیکه اسباب مادی یا معنوی مانع حصول سند تحریری شود .

(2) در صورتیکه سند تحریری به اسباب خارج از اراده داین مفقود گردد . در اصول محاکمات مدنی شهادت از مواد 321 الی 337 قانون مذبور را در بر میگیرد که به شرح زیر میباشد.
ماده 321 – (1) شهادت شهود عبارت است از اخبار به حق در مجلس قضا ً به لفظ اشهد .

2 – محکمه مکلف است شرایط شهادت شهود را اکیداً رعایت نماید .

3 – شهادت از نظر قوت اثباتیه بعد از سند بدر جه دوم قرار دارد .

4 – نصاب شهادت وشرایط آن تابع احکام شریعت اسلام میباشد .

ماده 322 – شهادت شهود طور منفرد در جلسه هیات قضائی بحضور طرفین دعوی استماع می گردد .

ماده 323 – محکمه قبل از استماع شهادت شهود مکلف است شهرت مکمله شهود را معلوم نماید .

ماده 324 – (1) هرگاه مدعی در جواب پرسش محکمه قبل از اظهار.

شهود بحضور هیات قضائی و طرف دعوی شهرت مکمله شهود را معرفی نماید.

اما در وقت احضار، شهود دیگری را به محکمه حاضر سازد محکمه این شهود را نمی پذیرد

2 – در صورتیکه مدعی شهود ی را که قبلاً شهرت مکمله آنها را معرفی کرده است عیناً حاضر نماید محکمه به شهود اجازه می دهد تا ادای شهادت نماید .

ماده 325 – هرگاه در معاملات حقوقی یکی از شهود در روز معین جلسه به محکمه حاضر وشاهد دیگر بموجب عذر موجه قانونی حاضر شده نتوانست محکمه اظهارات شاهد حاضر را استماع وبرای احضار شاهد غایب مهلت می دهد.

شهود در قضایای حدود وقصاص از این حکم مستثنی است .
ماده 326 – شهادت شهود در جلسه قضائی از طرف

یکی از هیات قضائی محکمه ثبت وبه حضور شهود وطرفین دعوی قرائت وبه امضاء ومهر ونشان شصت رسانیده می شود .

ماده 327 – (1) هرگاه شهود، شهادت خود را نسبت کثرت حدود اربعه یا تعدد مدعی بها ازیاد گفته نتواند، شهادت خود را از روی نوشته بحضور محکمه قرائت و در موقع لازم طرف مدعی ومدعی علیه، مدعی بها مطابق به ضرورت اشاره نماید .

2 – در دعوی حدود وقصاص ادعای شهادت از روی نوشته جواز ندارد .

ماده 328 – هرگاه مدعی علیه بعد از اقامه شهود، شهادت شهود را تصدیق ویا به اصل مدعی بها اقرار نماید محکمه حکم خود را متکی به اقرار مدعی علیه صادر میکند .

ماده 329 – از مدعی دفع تعرض شهود ذوالیدی مطالبه وبعد از اثبات ذوالیدی ازمدعی علیه حجت وبر هان خواسته میشود ودر صورت عجز مدعی علیه از

اقامه حجت وبرهان به منع ودفع تعرض مدعی علیه بر مدعی بها اصدار حکم میشود .
ماده 330 – (1) تعیین میعاد ومهلت برای احضار شهود یا نظر داشت بعد مسافه وکیفیت احضار از صلاحیت محکمه می باشد .

2 – محکمه برای احضار شهود تا سه مرتبه به مدعی

چنانچه در ابتداء مجازات جرم زنا ایذار، توبیخ و سخت گیری با مجرم بود خداوند می فرماید :

ترجمه "از میان شماآنانی که مرتکب این فعل گردد هردو مرتکب را اذیت کنید اگر توبه وخود را اصلاح نمودند آنها را به حال شان رها سازید"
سوره نساء آیه 16.
به تعقیب آن حکم حبس در خانه هاداده شد خداوند (ج)فرمود:
ترجمه "از زنان شما کسیکه مرتکب بد کاری شود بر آنها از خود تان چهار گواه بگیریذ، اگر چهار شاهد گواهی دادند آنها را تا زمانی در خانه ها حبس کنید که مرگ به سراغ آنها بیاید ویا خداوند متعال راه را برایشان باز کند "
ندامت کشیده توبه نمایند.
سوره نساء آیه 15.
سرانجام حکم نهایی از جانب خداوند راه نمایی شد.دراین حکم مجازات جرم زنا را برای بکر (مرد مجرد وزن مجرد) صد دره وبرای مرد زن دار وزن شوهردار رجم (سنگسار) امر فرمود.

حال که نظر فقها به استناد آیات مبارکه درمورد حد زنا بیان شد لازم دانسته میشود که موقف قانون جزای افغانستان را در قبال این جرم یاد آور شویم :

حد شرعی زنا

3 – در حالتی که مرتکب مربی،معلم ومستخدم مجنی علیه یا به نحوی از انحا بالای وی نفوذ واختیاری داشته باشد.

4 – درحالتی که مجنی علیه زن شوهردار باشد.

5– درحالتی که بکارت مجنی علیها به سبب ارتکاب فعل زایل شده باشد.

6 – درحالتی که دوشخص یا بیشتر از آن برای غلبه یافتن بر مجنی علیه

معاونت کرده باشند یا فعل را یکی بعد دیگر مر تکب گردیده باشد.

7 – در حالتی که مجنی علیه به سبب ارتکاب فعل به مرض تناسلی مصاب گردیده باشد.

8 – درحالتی که که مجنی علیها حامله گردیده باشد.

به هرصورت جرم زمانی ثابت میگردد که موارد اثبات آن موجود گردد.

موارد اثبات جرم زنا سه چیز است:

اقرار، شهود و حامله شدن نا مشروع زن .

وقف

مالکیانو ویلی دی :

صحیح دی، که بی تول خپلوان بیدایان وو، او هغه فقیرانو ته چي واقف ته ورنلنډدي ورکړخي .

قبض:

قبض هغه دي چي مالک ،ملک پریردي او د موقوف الیها په واک کي یي ورکړي، د امامیه وو، پر نزد قبض د عقد پر لازمیت کي شرط دي، نه دهغه پر صحت کي، که شخص ملک وقف کړي او قبض په لاس ورته شي، واقف کولاي شي چي هغه بیرته وکړخوي . که عام وقف وي لکه جومات یا هدیره یا فقیرانو لپاره، لازمه نه ده چي متولي یا شرعي حاکم ته یي وروسپاري یا په هغه ځمکه کي څوک ښخ کړي، یا په جومات کي لمونځ وکړي او یا د وقف کوونکي پر خوبښه سره د فقیر په واک کي ورکول، که پر هیڅ نامه قبض ونه شو، روا ده چي وقف کوونکي له خپل وقف څخه وکړخي، که په یوه ځانکړي خوا لکه څوک چي خپل اولاد وقف کړي، پداسي حال کي چي هغه لوي وو، د هغوي

وقف څلور رکنونه لري :

۱- صیغه :

وقف د وقف مي کره په ویلو سره حقیقت پیدا کوي ځکه دا جمله بي له کومې ښېی شرعاً او په لفظ اوعرف کي پر وقف باندي ښکاره دلالت کوي .

۲- واقف (وقف کوونکي):

د وقف دپیل کیدو لپاره دعقل پوخوالي شرط دي، د لیوني وقف صحیح نه دي ځکه هغه مکلف نه دي، او دهغه د موخو، خیرو او کرو ورو په اړه نه شي کیداي چي وقف په موثره توگه تر سره شي، بلوغ شرط دي، د ماشوم او داسي ماشوم لپاره چي د بلوغ مرحلي ته نه وي رسیدلي وقف روا نه دي، احنافو ویلي دي : صحیح دي چي سفیه د خپل دریمه برخه په داسي شرط چي د هغه وصیت د نیکی او ښیگني په برخه کي وي، وصیت دي وکړي ، که هغه د وقف په اړه وي یا د بل څه په اړه .

۳- موقوفه :

د موقوفه په برخه کي هماغه څیزونه شرط د ي چی د پلورلو په برخه کی شرط دی

شروط حد زنا:

برای اقامه حد زنا چهار شرط باید در زانی وزانیه موجود باشد.

1 – عقل : حد با لای کسی تطبیق می شود که عاقل باشد پس بالای دیوانه حد جاری نمی گردد.

2 – بلوغ: حد بالای شخصی قابلیت تطبیق را پیدا می نماید که به سن بلوغ رسیده باشد،پس حد بالای صغیر نیست.

3 – اختیار: حد بالای کسی است که عمل زشت زنا را به اراده آزاد انجام داده باشد یعنی بالای وی در اجرای عمل جبر واکراه صورت نگرفته باشد.

4 – علم به تحریم: در این مورد علمای اسلام نظرات متفاوت دارند بعضی ها آگاهی داشتن به تحریم را شرط نمی دانند اما رأی که از حضرت عمر فاروق صادر شده آگاهی دا شتن به تحریم را شرط دانسته است.

۴- موقوف علیه :

موقوف علیه هغه څوک دي چي له اصلي موقوفي د وقف له کتبي څخه د پورته کیدو وړ وي او په هغه کي لاندي شرطونه راغلي دي:

۱- باید د وقف پر وخت موجودیت ولري .

۲- باید د تملک وړتیا ولري .

۳- د خدای (ج) د امر نه منلو له انسانیت څخه د وتلو کارونو له پاره باید وقف نه شي .

۴- موقوف علیه شي باید ټاکل شوي وي نه دا چي نا معلوم وي ،

۵- امامیه، شافعيه اومالکيه وو ویلي دي : صحیح نه ده چي وقف کوونکي خپل ځان ته څه شي وقف کړي، او یا خپل ځان په موقوف الیه کي شریک کړي، ځکه عقل دا نه مني چي انسان دي یو شي دخپل ځان لپاره تملیک کړي، خو که یي د فقیرانو لپاره وقف کړه، او له هغه وروسته په خپله فقیر شو دا به یو له هغو څخه وي لکه هغه نور فقیران چي وو، همدارنگه که یي د زده کوونکو یا محصلینو لپاره وقف کړ، او په خپله هم محصل یا زده کوونکي شو ، احنافواو حنبلیانو ویلي دي: صحیح دي .

Agahi Hoqqqi

Publication organ for ministry of justice

سال پنجم * شماره ۸۶ * ۳۰ میزان * ۱۳۹۰ * ۲۰۱۱ * ۲۱ October

اشتراک څارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه ج.ا.ا در ختم

اولین کنفرانس مراکز اصلاح و تربیت اطفال

گزارش گر: شفیق الله نبی زاده



مراکز اصلاح و تربیت همکاری دلسوزانه داشته باشند.

محفل با توزیع تصدیق نامه ها توسط وزیر عدلیه به آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال خاتمه یافت.

نگهداری میشوند در سن رشد قرار داشته و در یک حالت بسیار خطر ناک قرار دارند که ایجاب مراقبت جدی رامینمایند، اطفالیکه تذکره تابعیت دارند آنها راجهت تثبیت سن به طب عدلی روان نکنید چرا که در آنجا زمینه سوء استفاده فراهم میگردد.

بعدا وزیر عدلیه کشور خواهان همکاری یوزار تخانه های :

صحت عامه، کار و امور اجتماعی ،امور داخله و اداره لوی څارنوالی با مراکز اصلاح گردیده وافزود که باید ارگانهای یاد شده از این مسولیت بزرگ شانه خالی نکنند و باید با

وزیر عدلیه کشور نخست ازموسسه حمایت از سکتور عدلی وقضایی تشکری نموده سپس مسولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال را متوجه مسولیت های شان ساخته و افزود که در قدم اول باید اصلاح را از خود آغاز نمایند تا بعدا سبب اصلاح اطفال شوید با انگیزه جرمی زمانی مبارزه میشود که مجازات متناسب با عمل جرمی طرح شود، شما باید با براه انداختن پروگرام های آموزشی وسایر مصروفیت های سالم اطفال را مصروف نگهدارید تا مرتکب خطا کاری نگردند، اطفال که نزد شما

اولین کنفرانس مراکز اصلاح و تربیت اطفال که بروز سه شنبه مورخ 1390/7/19 در هتل کابل ستار به ابتکار وزارت عدلیه ج.ا.ا و همکاری موسسه حمایت از سکتور عدلی وقضایی به اشتراک نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی ،لوی څارنوالی ،ستره محکمه، آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال ولایات و رییس عمومی مراکز اصلاح و تربیت اطفال کشور بر گزار گردیده بود روز چهار شنبه مورخ 1390/7/20 به اشتراک څارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه ج.ا.ا خاتمه یافت .

حد شرعی زنا

عبدالرحمن عظیمی

حدود:

حدود جمع کلمه حد است در حقیقت حد به چیزی گفته می شود که در میان دو چیز حایل واقع گردد. همچنان حد به چیزی گفته می شود که چیزی را از چیز دیگر متمایز سازد. بادر نظر داشت این معنی می گویند حدود خانه و حدود زمین که در اثر آن محدوده یک زمین ویا باغ از زمین ویاغ دیگر متمایز می گردد. معنی لغوی حد منع است. به این خاطر به محافظ یا در بان که مردم را از در آمدن به دروازه منع می کند حداد می گویند. در شریعت حد عبارت از مجازات معینی است که از جانب خداوند (ج) مقرر گردیده است. قرانکریم واحادیث نبوی مجازات محدودی را برای جرایم معینی مقرر فرموده که بنام جرایم حدود مسمی می باشد این جرایم عبارت اند از: (زنا، سرقت، شرب خمر، حرابت(قطاع الطریقی (راهگیری وغارت اموال کاروان ها درمسیر راه ها) ، بغاوت (قیام وسرکشی دوگروه متخاصم ازدعوت به صلح، درحالیکه هر دوگروه مسلمانان اند ، ارتداد (از دین اسلام برگشتن ویی دین شدن) وقذ ف (اتهام بستن جرم زنا به مرد وزن پاک دامن) می باشد.

هر شخصی که جرمی از این جرایم را مرتکب شود مستحق مجازات محدود ومعینی که شریعت اسلام مقرر فرموده است می گردد.

حد زنا:

دین مقدس اسلام ازدواج را بهترین راه اقناع غریزه جنسی واز دیاد نسل از طریق مشروع دانسته تا از این طریق عواطف دوستی، پاکیزه گی ، شرف وعزت نفس در بین انسانها ایجاد گردد. برای اینکه نسل انسان بتواند از این همه مواهب بر خوردار گردد وحیات اجتماعی انسانها در اثر مساعی مشترک زنا شوهری به مدارج عالی ارتقا یابد، اسلام ازدواج را از طریق نکاح تجویز و تشویق می کند وهرنوع توصل نا مشروع اقناع غریزه جنسی را خداوند (ج) منع نموده می فرماید:

ترجمه "به زنا نزدیک نشوید زیرا زنا بی حیایی وراه زشت است" خداوند (ج) زنا را عمل زشت و بی حیایی دانسته و به تحریم آن حکم فرموده است.

به نظر اکثر فقها تحریم زنا مانند تحریم شراب نوشی بشکل تدریجی از جانب خداوند مقرر گردیده است ... ادامه درص/3

اولین کنفرانس آمرین مراکز اصلاح

و تربیت اطفال برگزار شد

گزارش گر: شفیق الله نبی زاده

به ابتکار وزارت عدلیه و به کمک مالی موسسه حمایت از سکتور عدلی و قضایی یا JSSP در هتل کابل ستار دایر گردید. درین کنفرانس نخست معین اداری وزارت عدلیه سخنرانی نموده و ضمن خوش آمدید مهمانان به حقوق اطفال که در ماده 54 قانون اساسی، قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مقرر امور مراکز اصلاح و تربیت اطفال انعکاس یافته است اشاره نموده و همچنان فرمودند که اطفال متخلف اند نه مجرم، بناءً مسولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال مکلف به تعلیم و تربیه، فراهم آوری وسایل آموزشی و حرفوی، رسیدگی به مشکلات صحتی و عدم آزار و اذیت اطفال اند و باید با اطفال دلسوزانه برخورد نمایند و در اخیر آرزو دارم تا دراینکنفرانس دو روزه به یک راه حل مناسب جهت بهبود وضعیت اطفال در مراکز اصلاح و تربیت اطفال برسید.

درین کنفرانس مرور کلی بر موضوعات از قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال که مرتبط به روسای مراکز اصلاح و تربیت اطفال می باشد، صورت گرفت.

درین کنفرانس آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال از 34 ولایت کشور اشتراک نموده بودند.



روز سه شنبه مورخ 1390/7/19 اولین کنفرانس آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال به اشتراک قانونوال سید یوسف حلیم معین اداری وزارت عدلیه، مرستیال تحقیق لوی څارنوالی، معین وزارت کار و امور اجتماعی، نماینده ستره محکمه و آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال کشور

اصطلاحات

حقوقی

بیع فاسد:

بیع نافذه که عاری از خیارات برای طرفین عقد باشد.

بیع مرابحه:

فروشی که در آن جنس با مفاد فروخته شود.

بیع مزاینه:

فروختن یک شی به تقدیر، تخمین، پیماننه و اندازه.

بیع به شرط متعارف:

بیعی که در عرف مردم یک محل قابل رعایت باشد.

بیع:

بدست آوردن مال در مقابل عوض معلوم

بیع وفا:

بیعی که در آن شرط گذاشته شده باشد که

هرگاه فروشنده بهای جنس را به مشتری بپردازد،

مشتری جنس را به وی مسترد می نماید.

بیع صحیح:

بیعی که از حیث ذات و صفت مشروع باشد.